

## راز بقای برجام



علی واعظ

تحلیلگر ارشد امور ایران  
در گروه بین‌المللی بحرآن

یک سال پس از روزاجرایش، برجام رامی‌توان بی‌شک یک موفقیت نامید، چرا که نه تنها در برابر فشارها دوام آورده، بلکه هر دو طرف راز منافع اش بهره‌مند ساخته است: ایران به بالاترین رشد اقتصادی منطقه دست یافته و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باز دن مهر تأیید بر ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران و پایبندی بر تعهداتش نگرانی‌های غرب را برطرف کرده است. اما این نخستین سالروز فرصتی است برای بررسی روند اجرای این توافق تاریخی و استخراج تجربه‌هایی که می‌توانند برای بهبود و بقای آن سودمند باشند. مانند هر توافق فنی و پیچیده دیگری، اجرای برجام با مشکلات متعددی مواجه شد. برخی از این مسائل حاصل ابهام در متن توافق در پاره‌ای از موارد بودند. به عنوان مثال در بند ۴۴ پیوست الف برجام میزان آب سنگین مورد نیاز ایران «حدود» ۱۳۰ تن تخمین زده شده است و در مورد اینکه در چه بازه زمانی مازاد تولید باید از کشور خارج شده و در بازار جهانی ارائه شود، هیچ تصریحی وجود ندارد. با این وجود دوبار در سال نخست اجرای برجام عبور از مرز ۱۳۰ تن (به میزان ۰/۸ در اسفند و ۰/۹ تن در آبان گذشته) منجر به غوغای رسانه‌ای در غرب شد. این امر که حاصل بهبود کیفیت تولید آب سنگین ایران بود در غرب به عنوان نقض برجام جلوه داده شد، در حالی که نه بدعهدی روی داده بود و نه با توجه به عدم وجود رآکتور آب سنگین، خطری بالقوه وجود داشت. اتفاقاً در هر دو مورد، به مسأله سریع‌تر رسیدگی شد و مازاد آب سنگین به عمان منتقل شده و سپس به فروش رسید تا ایران را در زمره صادر کنندگان عمده این محصول قرار داده و ۷۰ درصد بازار جهانی را در اختیارش بگذارد. با بسیاری از مسائل دیگر هم با همین شیوه جنجالی برخورد شده است: از عدم ارائه جزئیات در گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گرفته تا متهم کردن کمیسیون مشترک برجام به مخفی کردن امتیازهایی که به ایران داده است. در موارد دیگری، مسائلی خارج از چارچوب برجام بر آن سایه انداخته‌اند. واکنش به آزمایش‌های موشکی ایران و تهدید انگاری نقشش در منطقه در این دسته قرار می‌گیرند. اما بخشی که نگران کننده‌تر است موانعی است که همچنان در راه عادی سازی رابطه بانکی ایران و جهان وجود دارد و دولت امریکا در برداشتن آنها در پاره‌ای موارد، خواسته یا ناخواسته، اهمال کرده است. بخشی از مشکلات تحریمی البته مربوط به این واقعیت است که هنوز شبکه پیچیده‌ای از تحریم‌های غیرهسته‌ای امریکا که مشمول برجام نبود، وجود دارد که معامله با ایران را برای بانک‌های بزرگ به مانند کام برداشتن در میدان مین کرده است. از سوی دیگر تلاش‌های مستمر کنگره امریکا برای تخریب توافق هم به نگرانی بانک‌ها در مورد ماندگاری برجام می‌افزاید.

امابه راستی چرا توافقی که مورد تحسین جهان قرار گرفته و برای طرفین برد-برد بوده، باید تا این اندازه شکننده باشد؟ علت را باید در ماهیت برجام جست‌وجو کرد که به عنوان یک توافق عدم اشاعه‌ای فقط به یک موضوع خاص می‌پردازد و بستری را که در آن بحران هسته‌ای رشد و نمو کرده بود دگرگون نمی‌کند. از همین رو است که یک مشکل فنی ابعاد بحرانی پیدا می‌کند و حق دفاع مشروع ایران در توسعه برنامه موشکی اش به عنوان یک عمل تهدیدآمیز تلقی می‌شود. این امر نشان دهنده یک معضل عمده است: بدون پرداختن به اختلافات دیگری بین ایران و غرب، اجرای برجام با مشکلات عدیده مواجه می‌شود، ولی پرداختن به دیگر اختلافات هم بدون اجرای بی‌کم و کاست برجام ممکن نیست. حل این معمار در شرایطی که تا چند روز دیگر دولت جدیدی در امریکا قدرت را در دست خواهد گرفت که ابایی از اعلام (و یا شاید اعمال) خصومتش با برجام ندارد، بی‌شک بزرگ‌ترین چالش پیش روی برجام در دومین سال اجرایش است. تضمین بقای توافق بدون یافتن پاسخی به این معما جز جنبدان حلقه اقبال ناممکن نیست.



برجام اولین توافق بزرگ ایران و اروپا است که احتمال تحول مهم در روابط اقتصادی را کلید زده و ظرفیت روابطی پایدار و همه جانبه بین ایران و اروپا را ایجاد کرده است. مضافاً اینکه این اتحادیه نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در روند حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران داشته و این نقش همچنان ادامه دارد

ارتباطی به امریکا ندارد. کشورهایی که امنیت و سیاست داخلی آنها به امریکا گره خورده، در اثر اغتشاش‌ها، پیامدها یا پیام‌های مغشوش سیاسی، دچار گیجی و سردرگمی خاص هستند.

● **باهمه مخالفت‌هایی که در داخل کشور با برجام مطرح می‌شود و برخی به بهانه بدعهدی‌های امریکا آن را شکست خورده می‌دانند، یک سؤال اساسی این است که اگر برجام نبود و ترامپ بر سر کار می‌آمد، چه اتفاقی می‌افتاد؟**

در ابتدا باید تأکید کنم که بر خلاف نظر عده‌ای که به تبع جناح‌بندی‌های سیاسی این گونه ابراز می‌کنند که مثلاً تمدید قانون ایسا در امریکا نشانه شکست خوردن برجام یا اشتباه ما در مذاکرات است، باید بگویم که نفس آن مذاکرات و نشستن ما در برابر قدرت برتر اقتصادی و سیاسی جهان عین پیروزی بود. اما در خصوص اینکه اگر برجام نبود و ترامپ می‌آمد چه اتفاقی می‌افتاد، ابتدا باید نگاهی به شرایط قبل از برجام داشته باشیم. ایران قبل از برجام با مشکلات بی‌شمار اقتصادی حاصل از تحریم‌ها روبه‌رو بود. بخش‌های صادرات نفت، تجارت و مبادلات بانکی ایران زیر ضربات شدید تحریم‌ها بود. پول‌های ایران بلوکه شده بود و حتی در برخی موارد ایران مجبور بود مانند دوران قبل از اختراع پول مبادله کالا به کالا انجام دهد. ایران نفت صادر و به جای پول آن کالا دریافت می‌کرد. صادرات نفت ایران نیز گام به گام در روند کاهش حرکت می‌کرد. اکثر کشورهای جهان به واسطه فشارهای امریکا، ایران را تحریم کرده بودند. حال تصور کنید برجامی امضای می‌شد، ترامپ با ایران چگونه برخورد می‌کرد؟ او که تفکری ضد ایرانی دارد، حتماً فشارها را بر ایران بیشتر می‌کرد. قطعاً با روی کار آمدن یک رئیس‌جمهوری ضد ایرانی، مشکلات ایران بدون برجام را دوچندان می‌کرد. ترامپ اما وقتی به قدرت رسید که توافق هسته‌ای امضا شده بود. ایران به واسطه برجام دیوارهای تحریم را شکسته است. درهای کشور به سوی مردم و دولت‌های جهان گشوده است. تهران میزبان رؤسای جمهوری و مقامات ارشد کشورهای مهم جهان است. همه مشتاق رابطه با ایران هستند. معاملات اقتصادی ایران با کشورهای جهان باعث شده است سرمایه‌های ایران آزاد شود و دیگر احتیاجی نیست ایران برای دریافت پول‌های خود دست به دامن واسطه‌ها شود. برجام توافقی است که به دنبال رابزنی‌ها و گفت‌وگوهای ۶ کشور مهم جهان و ایران به دست آمد و در شورای امنیت سازمان ملل متحد با اجماع همه اعضا به تصویب رسید. اما در هر صورت باید گفته شود که تجربه ۳۶ سال گذشته نشان داده است که نظام جمهوری اسلامی در برابر هیچ قدرتی تسلیم نمی‌شود و از منافع ملت ایران به درستی دفاع می‌کند. هیچ قدرتی نتوانسته و نخواهد توانست که روابط خارجی ایران را گروگان بگیرد.

● **انتخابات ریاست جمهوری ایران و آرایش احتمالی نیروهای سیاسی حاصل از آن تا چه حد در مناسبات مربوط به برجام مؤثر خواهد بود؟ این دو عامل چه تأثیرات متقابلی بر یکدیگر خواهند گذاشت؟**

ما باید در جمهوری اسلامی به گونه‌ای حرکت کنیم که مسائل داخلی مان منبعث از مسائل داخلی باشد، اینکه مسائل داخلی ما تحت تأثیر اتفاقات خارج از کشور قرار گیرد، کار غلطی است و اینکه انتخابات ما تحت الشعاع انتخاب ترامپ قرار گیرد خوب نیست، قاعدتاً تحولات این کشور نباید بر مسائل داخلی ما تأثیر گذار و در طول دوران بعد از انقلاب نیز هیچ وقت این گونه نبوده است. مضافاً اینکه اساس ذات دولت‌های امریکایی هست و در واقع تفاوتی میان دموکرات‌ها و جمهوریخواهان وجود ندارد.

ما راهبردهای بسیار روشنی در مسائل سیاست خارجی داریم و هم‌زمان با اینکه اهل تعامل و گفت‌وگو هستیم، قطعاً از مواضع و اهداف خود در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای کوتاه نخواهیم آمد. در خصوص برجام هم همان‌طور که می‌دانیم، همسانی نگاه اکثریت غالب جناح‌های مختلف سیاسی و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاسی کشور، درباره تحولات داخلی امریکا یا سیاست‌های این کشور نسبت به ایران، نشانه این است که ماشین سیاستگذاری کشور در عرصه سیاست جهانی، نسبت به برجام نیز به اشتراک نظر رسیدند. این امر نشان می‌دهد که تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور، نگاه واقع‌بینانه‌ای به سیاست خارجی، برجام و امریکا دارند و انتظار می‌رود در آینده نیز این توافق نظر، با صدای رساتری بیان شود.

در عین حال که نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از تیم پیش برود. طرز تفکری که در دوره اوباما راجع به امکان تعامل با ایران، در امریکا شکل گرفت، ممکن است در دوره ترامپ به حاشیه رانده شود. اما اینکه ترامپ از سوی سیستم سیاسی امریکا پذیرفته شود و در مقابل نهاد‌های سیاسی امریکا خود را با این تغییرات تطبیق دهند تا در نهایت گفتمان مشترکی ایجاد شود، امری نسبتاً زمانبر است. بر همین اساس باید گفت که سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ نیز در این بازه زمانی ممکن است چندان قابل اعلام و ترسیم نباشد. این احتمال هست که او بیشتر به مسائل جاری بپردازد یا دیپلماسی و اشنگتن در خاورمیانه دچار حالتی نوسانی شود. بنابراین طبیعی است که مواضع اصلی امریکا با فاصله زمانی مورد تبیین و اجراء قرار می‌گیرد. در مقابل مشخص است که با توجه به مواضع انتخاباتی ترامپ، کشورهای عربی با ابهام و سردرگمی بیشتری این روند را دنبال می‌کنند و این خود بر تشدید حالت گذر و تأثیر گذار بودن سیاست خارجی امریکا در قبال خاورمیانه می‌افزاید. اما این بازه زمانی تا رسیدن به وضعیت قطعی، برای سیاست‌های منطقه‌ای ایران فرصت‌ها و تهدیدهایی را به همراه دارد. سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران نباید تحت تأثیر موضعگیری‌های کوتاه مدت تیم جدید حاکم بر دولت امریکا قرار گیرند. بلکه به نظر می‌رسد باید سعی شود با استفاده از ساز و کارهایی که در اختیار است، به آن بعد دراز مدت تعامل با امریکا در خاورمیانه پرداخته شود.

● **با احتساب همه شرایط تعامل با امریکا، ترامپ و کارشکنی‌های احتمالی او بر سر برجام باید با چه رویکرد و چه کیفیتی انجام پذیرد؟**

در واقع رویکرد ما یک رویکرد منطقه‌ای و قانونی و در چارچوب قواعد حقوقی بین‌الملل و بر اساس رابطه‌ای



تحقق شعارها و وعده‌های

انتخاباتی در مسیر اجرایی

شدن با محدودیت‌های

ساختاری روبه‌رو خواهد شد

و این طور نیست که ترامپ

بتواند همه مباحث مطرح

شده در جریان رقابت را به

عنوان اهداف سیاست داخلی و

خارجی خود دنبال کند. چرا که

سیاست‌های امریکا در خارج از

مرزهایش حاصل انتخاب‌های

سیاست‌ماتیک است و این

سیستم است که امریکا را اداره

می‌کند و نه یک رئیس‌جمهوری

حسنة با همه کشورها (به جز رژیم صهیونیستی) و بر اساس اصل عزت، حکمت و مصلحت در همه مقاطع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است و بدیهی است که هرگونه تعرض را قاطعانه پاسخ خواهیم داد. در مورد برجام همان‌طور که گفتیم، پاسخ ما انجام تمامی اقدامات حقوقی در عرصه بین‌المللی و ادامه فعالیت‌های هسته‌ای خواهد بود. اما باید تأکید کنم به نظر می‌رسد ترامپ که دنبال بازگشت امریکابه وضعیت اقتصادی بهتر است، به متحدانش حمله کند و در پاره‌ای موارد از جهان فاصله بگیرد و به انزواگرایان نزدیک شود و در برخی مواقع مداخله جویانه عمل کند. سیگنال‌های فکری او مغشوش است و چارچوب منسجمی ندارد (اما همچون هر سیاستمدار دیگری، بنایست هر چه می‌گوید شدنی باشد. چنان که طی ۳۰-۲۵ سال گذشته، همه رؤسای جمهوری امریکا خواستند خاورمیانه را با فرم‌های مختلف عوض کنند، اما خودشان عوض شدند... اوباما در اوایل بحران سوریه می‌گفت اسد باید برود. حال خود اوباما در حال رفتن است، اما اسد همچنان باقی است. ماهیت سیاست پرنوسان بودن است. نکته بسیار مهم از نظر ما در ایران به خاطر دستاوردهای انقلاب اسلامی که همان استقلال در مناسبات خارجی بوده، این است که سیستم سیاسی و امنیتی ما بر اثر لرزش‌ها و تکانه‌های سیاسی در امریکا، دچار لرزش و تکانه نمی‌شود. یعنی امنیت ما



یک سال پس

از روز اجرای

برجام ایران به

بالاترین رشد

اقتصادی منطقه

دست یافته و

آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی با

زدن مهر تأیید

بر ماهیت صرفاً

صلح‌آمیز برنامه

هسته‌ای ایران

و پایبندی بر

تعهداتش مهر

نگرانی‌های غرب

را برطرف کرده

است